

آغاز گل افشانی‌ها

زیر نظرِ بابک نیک‌طلب

چشمِ تو

چشم‌ها، پرسش بی‌باسخ حیرانی‌ها
دست‌ها، تشنهٔ تقسیم فراوانی‌ها
با گل زخم، سر راه تو آذین بستیم
داغ‌های دل ما جای چراغانی‌ها
حالیا، دست کریم تو برای دل ما
سر پناهی است در این بی‌سر و سامانی‌ها
وقت آن شد که به گل حکم شکفتن بدهی
ای سرانگشت تو آغاز گل افشانی‌ها
سایهٔ امن کسای تو مرا بر سر بس*
تا پناهم دهد از وحشت عریانی‌ها
چشم تو لایحهٔ روشن آغاز بهار
طرح لبخند تو پایان پریشانی‌ها

قیصر امین‌پور

* این بیت به حدیث کسا اشاره می‌کند؛ پیامبر اکرم (ص)، حضرت علی، فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین (علیهم السلام)، کنار یکدیگر نشسته بودند. پیامبر با لپوشی بر سر خود و آن چهارتن افکند و فرمود: «خدا یا! اینان اهل بیت و نزدیکان من هستند، هر پلیدی را از ایشان بزدای و آنان را (از هر عیب و گناه) پاک گردان.» سپس جبرئیل حاضر شد و آیهٔ تطهیر (آیهٔ سی و سوم سورهٔ احزاب) را فرود آورد.

مثل لبخند غنچه‌ها

به تماشای رودها برویم
خستگی را به آب بسپاریم
پابه‌پای ستاره‌ها بدویم
از شب تیره دست برداریم

نگذاریم آسمان بکشد
چادر شب به روی دل‌هامان
مُهر صد آفرین بیا بزنیم
روی هر برگ دفتر باران

ابرها را به دوش خود بکشیم
ببریم آن طرف که باران نیست
بنویسیم روی دل‌هامان
هیچ کس از کسی گریزان نیست

گاه‌گاهی به روستا برویم
از گل و گله با خبر باشیم
بر که بودن به ما نمی‌آید
کاش هر روز در سفر باشیم

پر زدن سمت آب و آبادی
گم شدن توی روستا زیباست
از خدا شعر تازه‌ای گفتن
مثل لبخند غنچه‌ها زیباست

شاهین رهنما

حرف ترش و شیرین

برف زیبا از آسمان دیشب
نم‌نمک در حیاط می‌بارید
دانه‌دانه سفید رنگ و درشت
برق می‌زد شبیه مروارید

خواهرم گفت: «جای برف، ای کاش
دانه‌های انار می‌بارید
دامن ما همیشه پر می‌شد
از اناری به رنگ سرخ و سفید.»

حرف شیرین و ترش ما که شنید
سقف خانه، دهانش آب افتاد
مادرم غصه خورد و گفت:
«ای وای باز هم سقف خانه‌مان نم داد.»
غلامرضا مرادی

خراسان بزرگ

خانه خورشید است
خاک این پهنة پاک
بی شک از پرتو مهر
آسمانی شده خاک

زادگاه عطار
شهر شیخ جام است
خانه فردوسی
خانه خیام است

این خراسان بزرگ
بهترین خاک خداست
گنبد روشن آن
آفتاب دل ماست
اسدالله شعبانی